

صاحب امتیاز  
و مدیر مسئول  
دکتر اسمعیل  
اردلان.

نمونه  
نفسی

# کوشان

هیچ حزب  
دسته یا جمعیتی  
بستگی ندارد

سال اول - شماره ۲۲

شنبه ۱ مرداد ماه ۱۳۲۴

تک شماره ۴ ریال

## پو تسدام

### آیا ما هم سعادت مند خواهیم شد؟

امروز چشم جهانیان به پوتسدام موته شده ملل از بزرگو کوچک ، از قوی و ضعیف سر نوشت خود را در تصمیم سران سهولت در پوتسدام می بینند.

در همین حالی که باصلاح امور داخلی خود مجددا هر داغ و کوشش میکنند مترصد تهیه ملاقات و تعیین سر نوشت خود میباشند. اما ما تمام کار های خود را را که گذارده فقط منتظریم سر نوشتان مین شود . و با وجود این که سران سه دولت در کنفرانس تهران رسا استقلال و تمامیت خاک ایران را تضمین نموده اند بجای این که با اصلاح امور داخلی خود پرداخته کوچکترین تصمیم را موقوف به اعلام نتیجه ملاقات پوتسدام ننوده ایم پوتسدام هر از همه چیز خود دشمنی داریم ، تمویش یک بهشت دار ، انتقال یک مأمور نام صالح خلاصه کوچکترین قدم اصلاحی را با انتظار مین شدن نتیجه مذاکرات پوتسدام میگذاریم.

بر واضح است که در این ملاقات موضوع ایران مطرح خواهد شد اما در جریان بلکه در کلیات و مسائل اساسی .

مادر و مسامحه و تردید به بطور لایق داریم همیشه از خدا میخواهیم موضوعی پیش بیاید و مستسکی بدست آید تا ما آنرا بهانه قرارداد دست بکار نزنیم . حوادث جهان هم بعد از زیاد است هر روز قطعا چیزی پیش خواهد آمد و ما هم برای کار نکردن همیشه طوری دوریش خواهیم داشت . با این طرز فکر دبا این روش که ما در کار های خود داریم قطعا هیچوقت بجایی نخواهیم رسید .

چه مانع دارد در این موقع که با انتظار نتیجه تصمیم سران سه دولت هستیم قدری هم به امور داخلی خود به برداریم به آن سرو موونی بدین به آهوناه شاکیان که از گوشه و کنار مملکت شب و روز بلند است گوش بدین آهائی را که از دست خودی مینالند راحت کنیم . دست متدیان داخلی را کوتاه کنیم ، اشخاص صالح و کاروان

را بکار دعوت کنیم ، شاد روز نه گمی صومری را بریزیم ، برنامه های جاسی برای اداره امور مملکت تهیه کنیم ، خلاصه پیش بینی های لازمه را بکنیم تا وقتی که سلامتی رای اخص پوتسدام درباره ما اعلام شد دیگر تا وقت تلف نشاییم دنبال پیدا کردن آدم و تهیه برنامه و غیره سرگردان نباشیم.

قطعا در مقابل تمام این اظهارات آهائی که سابقه کار و زمامداری دارند خواهند گفت ، خوب مدتها وضع مملکت را با انضاح اداره کرده ایم چه مانعی دارد احتیاط را از دست نداده چندی هم صبر کنیم .

همین صبر است همین مسامحه و همین احتیاط است که موجب تمام بدبختی ها و عقب ماندگی های ما شده .

همین بی تصمیمی ها ، همین جبن و همین کسب اجازه های احتمالی است که ما را زبون و سرخسکت نموده . همین تلقی ، همین چاپلوسی و همین حب مقام است که ما را بدبخت و بیچاره کرده است.

ملنی تغییر ملتی که در نهایت حسرت و تنگدستی زنده گمی میکند باید پیش از ملتی که در راحتی و ناز و نعمت هستند کوشش نماید . ملنی که اکثریت قریب به اتفاق سواد خواندن و نوشتن ندارد باید بیشتر در ایجاد مدارس و توسعه فرهنگ بکوشد ملنی که ملنی قانون نیداند باید برای درک معنی آن بیشتر زحمت بکنند ما از قائله ملل خیلی عظیم . برای اینکه بتوانیم خود را با آنها برسانیم و با آنها همقدم شویم لازم است بر مرمکی سریع السیرتر سوار شویم نه اینکه برای رسیدن با آنها که با هوایسا علی مسافت می کنند ما الاغ سواری کنیم آهیم الاغی که از پس بار کثیده طاقت راه رفتن نداشته باشد.

قیه در صفحه ۳

## بخوانید و آزمایش کنیم

وقتی از قومی عقیده و ایمن رخت بر بست ، وقتی بجای تشویق و ترغیب ، بغل و حسد حکمرا شد .

وقتی بجای صحبت و یکانگی اتفاق و بدانی نشت از آقا قوم امید زبانه باید داشت و با اگر روزی قدمی بسوی اصلاح برداشت باید آنرا مجزه و یا امری خارق العاده پنداشت .

ترقی و تعالی هر قوم ، سر بلندی و افتخار او فقط در نتیجه صفات حسنه است که خداوند ممکن است در آن قوم بودیده - گذارده باشد . هر وقت این صفات حسنه در آن قوم رواج داشت میتوان بآیه اش امیدوار بود و هر وقت این صفات جای خود را به ردایل داد آن قوم محکوم باقرض است .

قوم کرد دارای صفات صدمه بسیار است . این خود سادگی است که خداوند باین ملت ارزانی بخشیده باید از این صفات استفاده کرد . باید آنرا رواج داده در نسل حاضر و نسل های بعد ترویج نمود .

راهشائی های هائلا و تعلیم و تربیت درست لازم است تا مردم صفات حسنه را واقعا « خوب » تشخیص داده سعی کنند آنرا در خود ترویج دهند و از نتایج یک کوشش برخوردار گردند و همچنین راهشائی و آموزش لازم است تا مردم پیرامون افعال بد نزنند و صفات مذموم را بحدود راه ندهند .

در حال حاضر که اکثر مردم ناآمیده و گمان میکنند نیفود کاری کرد و مردم را نیشود براه راست هدایت نمود ما معتقدیم در سایه کوشش و بیقرضی میشود مردم را بصفطاهای خود واقف ساخت و میشود راه صحیح را نشان داد و اطمینان هم میتوان داشت که مردم هم آهنگ شوند و در انجام کارهای خوب و اصلاح طلبانه هم قدم گردند .

یک موضوع را برای مثل در اینجا مطرح میکنیم و در اطراف آن قندی بحث میرد ازیم ،

پرواضح است که یکی از راههای اصلی ، ترویج صنارف و تشویق مردم بخواندن و نوشتن است و این امر با ایجاد مدارس ، دبستان و دبیرستان ، کلاسهای اکابر و رونق دادن مدارس دینی و امثال آن امکان پذیر است .

یکی یکی وظایف این موسسات را آنطوریکه فعلا در کردستان هست بنظر بیآوریم از دبستان و دبیرستان آنچه میشویم و اطلاع داریم پیش از اساسی است دبستانها ناقص و باوضع وقت باری اداره میشوند . دبیرستانها علم ندارد یا اگر دارد صرف نظر از یک یا چند دبیر دیگران آموزگاری پیش نیستند و صلاحیت تدریس و استمداد آنرا ندارند .

دبیر فقط برای بدست آوردن لقبه نانی ست دبیری انتخاب کرده ولی در واقع فلس الامر علائق ای با نیکان ندارد . با این کیفیت از این موسسات پوسیده چه انتظار میتوان داشت ؟

آیا ممکن است در این موسسات اطفالی پرورش یابند که واقعا متناسب با استعدادشان چیز یاد بگیرند ؟

مدارس دینی ما در چه حال است؟ آن علمای سابق که در مساجد کردستان بتدریس علوم دینی میپرداختند .

قیه در صفحه ۴

### اخبار داخله

#### مجلس

روز سه شنبه گذشته بالاخره اکثریت و اقلیت توافق حاصل نمودند باینکه دولت مجلس معرفی شود آقای صدر نخست وزیر کابینه خود را معرفی و برنامه را نیز تقدیم نمودند.

روزه شنبه برنامه دولت مطرح و نمایندگان بعنوان مخالف و موافق تعین هائی نمودند.

روز شنبه بملت بودن اکثریت جلسه هائی تشکیل نگردید.

روز یکشنبه چون به پیشنهاد یکی از نمایندگان قرار شد اول لایحه دو دوازدهم بودجه تصویب شود و پس از آن برنامه دولت مطرح گردد عدای از نمایندگان بصورت اعتراض از جلسه خارج شدند.

#### حرکت بانگلستان

آقای «اون» نماینده شورای فرهنگی بریتانیا در ایران با هواپیمای بسوی لندن حرکت کردند.

#### انتصاب

آقای جواد کتبی از طرف آقای وزیر دارائی بریاست کل مالیات بر دو آمد تصویب شدند.

#### انحلال سازمان اقتصادی

بموجب تصویب نامه هیئت وزیران سازمان اقتصاد منحل و ادارات آن تحت نظر وزارت دارائی قرار گرفت.

#### انتصاب

آقای محمد مهران از طرف وزارت

دارائی به معاونت اداره کل درآمد های داخلی انتخاب شدند.

#### اعزام نیرو

بقرار اطلاع واصله برای کمک به لشکر کردستان عده ای از طهران اعزام شده است.

#### هیئت های بازرسی

از طرف آقای وزیر دارائی هیئت مالی معین شده اند که در ادارات بازرسی مالیات بر درآمد اداره کار برزی کل کشور بازرسی کامل نموده گزارشهای خود را بدهند تا اگر اشعاعی سوء استفاده هائی نموده باشند مورد تعقیب قرار گیرند.

#### متهمین خریدغله الیگودرز

آقای احمدی دادستان دیوان کیفر ادعایه مربوط به تهمین سوء استفاده از خرید و جمع آوری غله الیگودرز تنظیم و برای صدور حکم بدادگاه کیفری ارجاع شده است.

تهمین عبارتند از: دکتر نصرالله امان پور - احمد علایی - عزیز الله ذوالریاستین علی کبر کاظمی - علی شیبانی - سید الله درویش - ابوالفضل گلپاشی - قلی الله شهبازی رضا فریدون رحیمی - عباس شیبانی.

#### مراجعت بازرسیهای اعزامی

بازرسان اعزامی اداره کل غله از کردستان مراجعت از قرار اطلاع رسیدگی های جامعی در دست نموده سوء استفاده هائی کشف کرده چند روزی است بطهران مراجعت نموده اند انتظار داریم گزارشهای جامع و واقعی از طرف آقایان تهیم اوایی

امور کرد کرد و یک دفته هم برای نمونه معلوم شود که ممکن است واقعا بازرسی نبود و حقیقتاً گزارش درست داد.

#### امام جمعه گروس در تهران

آقای امام جمعه گروس تریب دوهفته است بطهران وارد شده در عرض همین هفته بزبانت مشهد مقدس مشرف خواهند شد.

آقای امام جمعه از علمای جلیل القدر گروس و مورد احترام و اعتماد قاطبه گروس میباشند.

#### اخبار کردستان

۱ - اردو کشی بر علیه عثمانی اورامان ادامه دارد. سرکرد کوشی فرماندهی ستون نیز تیژر ابر عهده دار در مالاری پای شده رودخانه تیژر نیز نظامیان را سخت مبتلا نموده عملیات جاده سازی در این قسمت ادامه دارد.

۲ - حبیب الله خان مندلی که زنده ای بدون ملاقات بود بقید کفیل مرخص شده است.

۳ - سرای های تپله کوه - گلپاشی پسرهای سلیمان جاف و پسرهای صالح سلطان پناه برای شرکت در جنگ بر علیه عثمانی اورامان از طرف فرمانده لشکر دعوت شده اند.

۴ - بازرسان اعزامی اداره کل غله اقداماتی در دستخود نموده بازرسی های مفصلی در شبان کرده اند.

۵ - در شصت دهکده ۳۶ تن سرک و ۳۰۰ تومان کسر صندوق و در شب حسین آباد ۳۰ تن سرک کشف کرده اند.

### توجه فرمائید

چون در نظر داریم ضرب النسل های کردی را جمع آوری نموده بعدا چاپ کرده انتشار دهیم از علافندان تقاضا میشود ضرب النسل هائی را که بخاطر دارند با خط خوانا نوشته در صورت امکان با ترجمه فارسی آن ارسال فرمایند.

تاموقتی که جمع آوری ضرب النسل ها کامل شود هر هفته در ستون مخصوص روزنامه چند ضرب النسل چاپ شده و یا آنکه در شماره مخصوص نامه کوهستان درج خواهد گردید.

### پست شهرستانها در

#### این هفته

- ۱ - پست سنتج بازده روز
- ۲ - پست مهاباده روز
- ۳ - پست سنز سیزده روز
- ۴ - پست بیچاره روز
- رسیدن روزنامه نایند ثان مهاباد - بو سکان و باه شکایت دارند.

## وقایع آزارات

-۸-

فراز کانی صورتی که عده ای از نظامیان ترك وابد تبال خود کشانیده آنها هم از بل چویی سرحد (آزارات - تركیه) عبور رده وارد شك آزارات مبر کردند.

اطلاع از این جریان و مشاهده مناظر وقت بار فرازون بوجه های کرد از جلو سر بازار ترك دیگر مجال تحلی برای عده لیل آزارتپها که در ممر فرماندهی مانده بودند بجای نگذاشت.

جنگاوران کرد مصمم شدند که نباشی از نونه های قهرمانی نیان خود داده ارواح آن بزرگواران را که برای حفظ مین و آزادی خود با ششیر برهنه اسب بدویای دشمن می نماندند شاد کنند، خواستند بار دیگر برده ای از تاریخ جنگهای ایران و توران را به ایمان نشان داده ثابت میکنند مات کرد برایشی زاده های آن بهلوانان نامه ارمیدان جنگ بوده در روح سلحشوری و در خون نجیب ایرانی آنان تغییر حاصل نشد و قومی پدید نیامد است خلاصه خواستند در این روز از شجایی شهادت و مردانگی کرد و ترک را با هم ستیجید بر تری خود را نمایان سازند و از زبان دوست و دشمن خود تصدیق و اعتراف بگیرند خواستند روح خود را بیای مشوقه آزادی شار کنند مصمم شدند با هم اطلاع به تفوق و برتری اسلحه دشمن و با در نظر گرفتن تعداد جنگجویان که یکت در مقابل صد بود بقشون ترك حمله برند. عیب است شهادت و نهوز جانی کرد کم بود عده را جبران کند.

پس از رسیدن آخرین سنگهای سیاه آزارات یعنی حجر الاسودهای این که به ملی کرد پشت به آ دری و رو بدین شروع صلحه متفلا نمودند میدان نبرد مسطح و خارج از کوه آزارات بود از این جهت دیگر دشمن نمیتوانست بکنوب سکرد ها در سایه آشنائی به آزارات خود را از چنگل ما نجات میدهند.

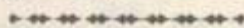
از حیث تعداد نفر و نوع اسلحه قوای ترك برتری داشت و از اعلاظ موثبت هم مواضع خوبی داشتند زیرا دوشب تبها و در داخل ده موضع گرفته بودند در حالیکه آزاراتپها در زمین مسطح و بدون پناهگاهی قرار داشتند. ولی در مقابل تمام این برتریها مجاهدین کرد تصمیم راسخ داشتند گویی ارواح بهلوان باستانی ایران در کالبدشان دمیده شده و در این صابته جان بازی درک میخواست گوی بقت را از دیگری برابند آزاراتیها حاسر بودند خون بیگناهان ریخته شود و آمان - بدکاران را مکانات نهدند مصمم بودند سنبل های سفید پائیز را که در میان چمن زارهای اطراف رودخانه خودنای میگرد با خون سرخ رنگین نموده بر چمن ملی کرد را بار دیگر مصمم سازند.

در مقابل این تصمیم دیگر کلوله های دروگر مسلسل و پیاده نظام و توپ در نظر آنتان قابل اهمیت نبود و نمیتوانست راه باشد. خون جنگجویان بجوش آمده بود حمله متهورانه کرده. پیاده نظام دشمن عقب نشست.

شنان کلیم با چهار سوار رسید و باستقامت دیگر روانه شد نظامیان ترك شك آزارات را تغلیه کرده بدنه کانی کورک داخل شده. کردها با شتاب آنها را تعقیب میکردند. اسلحه های دشمن بل چویی را که بر روی رودخانه، جلوانی کورک بود گلوله باران میکرد و جنگجویان

از کرمناشا

تعمیر بارگاه حضرت ویس قرن



چندی قبل اعلامیه چاپی که بامضای عده‌ای از آقایان کردستانیان مقیم کرمناشا منتشر شده بود و مردم را بپرداخت اعانه‌ای جهت تعمیر بارگاه حضرت ویس قرن دعوت نموده بودند بدینتر روزنامه رسید. منتظر شدیم که صورت کمک کنندگان برسد آنکجا یکجا آنرا با صورت رسیده چاپ کنیم.

در این هفته صورتی دریافت داشتیم که ذیلاً با اعلامیه آقایان پیشقدمان این امر غیر از نظر خوانندگان میگذرانیم. لازم میدانیم اظهار مسرت خود را از این اقدام بیک که اولین قدمی است که بکمک دست جمع انجام گرفته ابراز داریم و امیدواریم که این گونه اقدامات ادامه داشته نهاد مرتفع نموده و نگاهداری آثار مقدسه مورد عمل باشد بلکه در دیگر کارهای اجتماعی و اعلامیه هم همین رویه ادامه داشته باشد.

پیام برای جامعه مسلمانان

بطوری که همه اطلاع دارند بنده مبارکه حضور غیرالتابین اویس انزلی رضی الله تعالی عنه که یکی از امامان متبرکه و منظور نظر کلیه مسلمین و محل هر گونه احترام و احترام بوده موصلین صومالی از قطار معتزله عالم اسلام به زیارت آن مکان شریف مشایند. نزدیک کرمناشا بر روی کوه معروف بینه کوه واقع و بعلت بعد مسافت و صعبیت راه از اهل غیر دور مانده و از قرائین چنین بنظر میرسد که آن بینه مبارکه صدها سال پیشتر است بنا شده و در طی سالیان دراز بعلت عدم توجه و نداشتن سرپرست و دوری از سیر اهل حق اصل بنده دو نهادم گذارده و خرابی زیادی حاصل نموده است.

بنده نامبرده از طرف اعضاء کنندگان زبردت و خرابی آن مشاهده گردیده و تصمیم گرفته‌ام که با توفیق الهی و کمک و استعانت برادران دینی به تعمیر آن اقدام نموده و برای راحتی و رفیع زحمت اکثر ذابین آستان ملائک باسائش که به علت نداشتن آب مجبورند آب را از یک فرسخ دورتر تا قلعه کوه همراه ببرند و با وسایل مسکنه آبی تهیه کرده در صورت امکان راه اتومبیل روی برای سهولت تشریف آستان آن بزرگوار ایجاد نمایم.

روی این اصل کمیسیون بریاست آقای شکرالله آملی (ساحه السلطان) و هم کاری آقای مهدی صدیق وزیر پیشکار دارائی استان پنجم و عضویت اعضاء کنندگان زیر تشکیل و حسابی دو بانک ملی حکمران شاه بشماره ۸۵۴۶ برای تجمع وجوه رسیده باز شده است بنا بر این بوسیله این نامه شروع این اقدام میدرایی تمام برادران دینی و مسلمین غیر تبارت داده

و با اطلاع عموم میرسانیم و از قاطبه مسلمین تساو تانها مننا بایم از بقل مساعی و کمک در بیخ نمروده و هر یک اقدام فرمایند صحت در محل خود کمیسیون غیره تشکیل و صندوق اعانه تهیه و بر حسب تمایل و قدرت وجوه اعانه را جمع آوری و سا کمک فرموده وجوه جمع شده را بحساب بالا بیانک ملی کرمناشا فرستند تا بخواست خدای تعالی و یاری برادران مسلمان کسیون متبیم کرمناشا که بعلت قرب صافت اصلاح در انجام این خدمت است بانشریک مساعی کمیسیون مستندج و سایر کمیسیون های غیره این امر غیر را انجام دهد البته حساب جمع و خرج ابتکار در آخر هر شش ماه منتشر و بنظر آقایان عظام خواهد رسید اشخاصی که مالی به کسب اطلاعات بیشتری باشند بعنوان آقای صدیق وزیر مکتوبه فرمایند.

دورود باد بر کسانیکه در امور

خیر مساعدت مینمایند

شکرالله آملی مهدی صدیق وزیر  
سر بهر حسین اردلان مهندس معرفت  
طیب احمدی ابراهیم صدیق جوهری  
دکتر محمد کریم صدیق باقر صدیقی  
اینگ اسامی آقایانی که باپرداخت وجه شرکت فرموده اند

- ۱ آقای مهدی صدیق وزیر ۱۰۰۰ ریال
- ۲ شکرالله آملی ۲۰۰۰
- ۳ سر بهر حسین اردلان ۱۰۰۰
- ۴ مهدی معرفت ۱۰۰۰
- ۵ طیب احمدی ۵۰۰
- ۶ ابراهیم صدیق جوهری ۵۰۰
- ۷ باقر صدیقی ۱۰۰۰
- ۸ عبدالرحمن قادری زردویی ۲۰۰۰
- ۹ محمد صالح شامی گل خیزی زردویی ۸۰۰ ریال
- ۱۰ رمضان و خدازی زردویی ۷۰۰
- ۱۱ کاکا که برادر زردوییان زردویی ۵۰۰
- ۱۲ حمید سرسلیمانی زردویی ۵۰۰
- ۱۳ محمد امین حیدری زردویی ۵۰۰
- ۱۴ حبیب الله زردوییان زردویی ۵۰۰
- ۱۵ عبدالله ۴ زردویی ۵۰۰
- ۱۶ ظاهر اردویی ۵۰۰
- ۱۷ احمد قادری زردویی ۳۰۰
- ۱۸ رستم ۱۵۰
- ۱۹ محمد استاد حسین زردویی ۵۰۰
- ۲۰ لطف الله ظاهر پور ۵۰۰
- ۲۱ محمود فبادی زردویی ۳۰۰
- ۲۲ محمد ساسی زردویی ۸۰۰
- ۲۳ محمد برالا زردویی ۱۵۰
- ۲۴ محمد علی زردشتی زردویی ۵۰۰
- حج ۱۸۲۵۰

بقلم دوشیزه و قبه قادری

از ده سروکالی لاهیجان مامش

وظیفه ملی مادران

زبان و رسوم و آداب هر ملت تاریخ ادبیات و معرف فرهنگ و مدنیت آن محسوب میشود. اگر ملتی قانده این یادگار نفیس از مغان گرانبهای نیاکان خود باشد در جامعه حاضر کمترین ارزشی نخواهد بود بلکه برور زمان در خلال ناهوارهای ادوار زندگی نابود و مفقود الاثر خواهد شد.

چهره‌روزی از این سینه زوجه‌سی از این گذشته تر برای پدران و مادران حساس و وظیفه شناس وطن، که باید تا آخرین دقیقه زندگی مردم مرگ و پستی را بحیات و هستی نسکین ترجیح داده و استقبالش نمایند.

چونوری است که این تاریکی را از بین ببرد و وجه دستی است که این گوهر سعادت را سفته و پایه ملیت خود را بدان استوار گرداند.

هانا دست پر مهر و دل پر نور مادران و وظیفه مقدس ایشان است که نو پا و کلن خود را از اولین روز تولد مطابق انتظار جامعه بار آورده بجزئی ترین مراسم ملیت آشنا سازند و عطیه نیاکن خود را محترم شمرده با ایادی اکرام هر چه زیاتر به نسل آینده تنهیم نمایند.

اساس ملیت زبان است مادران باید در استوار داشتن آن کوشا باشند. قبل از فرا گرفتن زبانهای دیگر آراغوب بشناسند و کران بهاء ترین یادگار های نیاکن خود را به فرزند ان خویش بیاموزاند.

ای مادران عطیه وطن، اکنون اولین شکر کوه گلستان آزادی تحت تربیت بگانه باغبان حقیقت شکفته و عطر مشک سایش سودان این وجاعت را مسوم و شیفنگان خود را بکشف اسرار حقایق تشویق و ترغیب مینمایند تویز جنبشینا. دانستن زبان ملی خود را بر فرزندان لازم شمار تاهنگامی برآید که فرزندان نازیت از این حق تو در زده خود مدیون سیاستگذار بهائی بیکرانی شود و بزبان حال گوید.

دین منته قادری هشتم که مراد آغوش پر مهر خود پرورش داده از خون پاک جگر خود که سرچشمه احساسات ملی میباشد عروق و شرابین بدنی را ملو نموده و بانام زبانیها و شاکارهای ملیت مزین و مجهزم کرده زمانیکه یک حرف و دو حرف بر دهانم الفاظ نهای و گشتن آموخت مرا بآئیه، بحیت این رهبر حقیقی پشام رموزات و اسرار ملیت و تاریخ ادبیات ملی خود آشنا کرده مرا بیک هستی جاوید نایل گردانیده و با صدای رسا بانگ بر آورده بگوید.

چون هستی من ز هستی اوست تا هشتم هست دارمش دوست

پوتسدام

بقیه از صفحه ۱

دیگران دندان مارا خوب شمرده اند خوب ما را شناخته اند ، مارا بیازی نمی گیرند. برای اینکه ما هم خود را در مسلک ملل زنده قرار دهیم فداکاری لازم است ولی آیا این فداکاری و بیعت مملکت از این وضع اسفناک با این ایادی که قتل در کار است امکان پذیر میباشد ؟ آیا اینها خواهند توانست این بیامر شرف بیوت را معامله کرده برپاهای خود راست نگاهدارند تا بتوانند اقلاندمی بردارد ؟ بدبختانه باید گفت غیر اینها ب فکر ما لیستند. منافع شخصی و نظریات خصوصی آنان مهتر از این است که بتوانند برای خاطر ما و شما از آن صرف نظر کنند. نا این گونه اشخاص مصادر امور باشند هر چه گفته شود بیوده و غیر مؤثر است گوش کسی بدهکار نیست مخصوصاً در این موقع که منسکی هم در دست است؛ -ران سه دولت در پوتسدام سر نوشت ملل را مینماید خواهد ساخت ولی آیا پوتسدام ما را سعادتند خواهد ساخت ؟

پنم آقای میر محمد علی مشیری

فقط شهرت کافی نیست

آقای مدیر روزنامه کوهستان -  
 بطلب از سر مقاله های کوهستان را در  
 موقع فراغت میخوانم و از حسن نیت آن  
 نویسنده جوان فاضل که صرفاً صرف اصلاحات  
 اساسی کشور ایران میشود بویژه شماره  
 ۱۹ آن گرامی نامه با مسرور و معظوظیم  
 زیرا عقبنامه از جهت انشاء دلپذیر است  
 و هم از جهت دعوت بکار و خدمت به سلطنت  
 مطلوب و مجذوب میباشد البته از طرف  
 نویسنده آن دانوا آگاه نوافس معایب کار  
 را باید گفت و راه رفع و دفع آنرا نیز  
 پیامته ملت نشان داد تا بتوان نتیجه مطلوبه  
 و انتفاع کامل همومی بدست آورد و این  
 وضیت ناخنجار معبر المتولرا تبدیل به  
 اوضاع خوش و ملیه بحال جامه نمود  
 این مطلب از جنبه مسلمات اولیه خواهد  
 بود که تقریباً ۱۰ سال است کشور ایران  
 یا بر حلقه ترقی گزارده و سکنه خود را  
 از قید رفیت و اسارت سالار الدوله و  
 جلال الدوله و علاء الدوله و ظل السلطانی  
 هارهایی داده یعنی اصول استبداد و ریخته  
 دیکتاتوری را از بخر بن بر کنده و طالب  
 آزادی فکر نافع و عمل بک و استقرا  
 مقررات دموکراسی شده مجلس شورای ملی  
 برپا کرده و حکومت ملی و اجتنابی را  
 خواهان گردیده و وضع توان عادلانه  
 بطور اکتل و اتم موافق مقتضیات وقت  
 خواستار شده است مانند سایر ممالک  
 متدینه دنیا از بهره فواید آن برخوردار  
 گردد - گرچه بیست سال قدرت گذشته  
 مانع انجام این مرام مقدس شده اما حالا که  
 تقریباً ۱۰ سال است از دور مو خانه آن  
 غنرت میگردد باید دانست چه باید کرد  
 که نایل با رزوه هدف دیرینه خویش شویم  
 باید کوشش در اصلاح مجلس شورای ملی  
 و انتصاب هادی و ساده نمایندگان خوش  
 سابقه خبر خواه نمایم باید بجایه ملت  
 یادآوری کنیم که اشخاص بر کوبیده بعبیر  
 با تقوی دیانت مثل داد خوب از بدسوا  
 نمایم تا بتوانیم بوسیله قوانین عادلانه  
 برای کارهای خوبی و کبیری و اقتصادی  
 و انتظامی سایر امور زنده کی خودوضع  
 کنیم و نه مجریه و مجربان قوانین راهم  
 از مردمان مبین دوست شرافت مند بی آلیش  
 و فایده قرار دهیم تا اینمیل از مرکز تتل  
 سلطنت که پارلمان خواهد بود سرایت به  
 تمام وزارتخانه ها و دوایر تابع آنها و  
 مامورین لشکری و کشوری که در اطراف  
 و اکناف سلطنت هستند بنیاید و این وضع

لا مطلوب فعلی و رکودی که در کلیه  
 موسسات دولتی دیده میشود و موجب  
 شکایت تمام اهالی کشور بخصوص کردستان  
 شده است. رفته رفته بر طرف کرده.  
 تنها دعوب از حلقه ی قوم باینکه  
 (صلحایند قد علم کنیند و بیش از این وقت  
 و از دست ندهید جمع شوید فکری بحال  
 ایران از دست رفته و مردم بیچاره آن کنید  
 تا کی میتوانی ناظر این وقایع تنکین باشید)  
 کالی و واقعی به مقصود نیست زیرا اگر نظر  
 واقعی کوهستان بر حال الالب است سکه  
 بالاخره چند نفر از آنها موافق روایت از شهر  
 زور ظاهر خواهد شد حالا وقت ظهور آنها  
 نرسید و صرف این دعوت هم حالا نخواهد  
 آمد و اگر مقصود اشخاصی است که فعلا  
 در این کشور حضور دارند آخر آنها  
 کیانند که وجود خارجی ندارند و نظیر  
 عقابیت و هویت آنان مستور است  
 بالجهل سلطنت ما امروز محتاج رجالی خواهد  
 بود که از هر جنبه نیشانیسته این مقام بوده  
 باشد و تهادت بر بدن هم کفایت نیکند  
 باید کاری و کاردان نیز باشد که تقاروتی با  
 باغش دیوار داشته باشد باینجه جهانی الوجوه  
 واقعی در مدت عمرش با اشتغال بکار و  
 و قدرتی سکه در کار خودش داشته است  
 آورده بلوت نشده باشد -  
 لکن آنها که مشهور بدستی است من هم  
 تصدیق میکنم که او درست است اما از دستوری او  
 وقتی میتوان استفاده نمود که برای خدمت به  
 کشور و مردم حاضر باشد و معافه کار  
 نبوده و قائل با اصول خود برستی خود پسنندی  
 باشد و صبیانه وارد میدان عمل شود و مردم  
 را با اعمال بک خود واقف و امیدوار سازد  
 پس حالا با این مقدمه مزبور ثابت شد که  
 فقط شهرت کافی نیست و چون علم و عمل همیشه  
 خوب است که توام و دست بگیران بوده  
 باشد باید در شت حرف را کوتاه کرد و پا  
 بر حلقه عمل گذاشت و سکسانی را بدست  
 آورد که دارای خلعت و اوصاف حد کوره  
 باشند تا انشاء الله کلیه امورات کشور اصلاح  
 شود -  
 ایست مقداری از نظریات اینجناب  
 که با تجربیات حاصله سی ساله دوشن  
 خدمات و مسافرت های بدینی مقرون خواهد  
 بود -  
 هر گاه مبادرت بدرج آن فرمایند  
 تصور میبرد که مشربوده باشد.

پنم آقای آرموده اردلان

اوضاع اسفناک کردستان

قبل از نوشتن سطور ذیل خاطر خواننده دان گرام و اولیای  
 امورا مستحضر و خداوند متعال را شاهد قرار میدهم که از تک  
 این مختصر منظوری جز عظمت و استقلال ایران ندارم زیرا با حسن  
 نیک و زبانی دوست و از فرمانده لشکر کردستان کینه و عداوتی در  
 دل دارم. ایک با اجازه هم مبینان عزیز میخوانم چند دقیقه بدین  
 وسیله اوضاع اسفناک کردستان و اهالی نعیب آن سامان را عرض  
 برسانم.  
 البته از شرح خاک پهنای کردستان و عواید آن و همچنین  
 رشادت و صداقت و اصالت اکراد خوددای خواهد شد زیرا منفرجات  
 منفعات جغرافیا و تاریخ شاهد مدعا و اظهار نگارنده توضیح واضحات  
 خواهد بود ولی آبیانه شده که این خاک همیشه دست خوش حوادث  
 و با مصلاخ آب خوش از دلوی ساکنین آن با آن نخواهد رفت  
 این توضیح مستلزم نکات سیاسی زیادی است که با حقیق منفعات  
 نامه ملی کوهستان و اوضاع کنونی نمیتوان کاملاً بیان و روی کاغذ  
 آورد فقط دو قطعه کوچک آن که در همین حال اساسی و به هیچ  
 مقالماتی بر نییورد و مروض و بعداً در صورت انتضا مسائل مهم دیگر  
 را نیز عرض میسرانم.  
 البته تصدیق خواهند فرمود بطور کلی توده مضموسا شهرستان  
 های دوردست جز بوسیله نماینده مجلس شورای ملی - مامورین دولتی  
 رابطه با مرکز ندارند بدینسانه اهالی کردستان فاقد این دو موضوع  
 مهم حیاتی بودند یعنی وکلای آنان در تمام بیست سال دوره حکومت  
 خود مختاری مانند سایر نمایندگان جز قیامو نمود کار دیگری انجام  
 ندادند و در واقع میتوان گفت سیاهی لشکر و تشریفاتی بودند.  
 مامورین دولتی هم از موقیت مجلس و نمایندگان استفاده نموده  
 و برای تأمین آئینه مادی منوی از هیچگونه غیباتی فرو گذار  
 نشودند و برای عملی نمودن منظور شوم خود مجبور بودند همواره  
 کرد و کردستان را در نظر مرکز ماته دیو میبسی جلوه داده و  
 دولت وقت را نسبت به آنان بدین و دو مقابل آنان راهم بوسائل  
 لازمه از اولیای امور مرعوب و نومید نمایند تا خود را از این آب  
 گل آلود مامی بگیرند البته با زرنگی و دستهای که همراه آنان  
 بود بطور خوبی دل خود را ایفا و این سد تفرقه را پنهان داده.  
 پس از شهریور ۲۰ که وضیت صورت دیگری بنمود گرفت  
 همان آقایان ماسک راهوش نموده و برای برده پوشی خیانت ۲۰ ساله خود  
 دست به سلطیات شرم آوری زدند طولی نکشید کوس رسوائی آنان  
 بوسیله جناب آقای لیبسی و یکی دیوگر از نمایندگان و مقالات آقای  
 دکتر اردلان در روزنامه ستاره نواخته شد پس از ظهور این برده ملت  
 سپه روز کرد انتظار داشت دولت آنان را از اثر این خیانت پیشگان  
 خلاص و خالتین را با مجازات برساند مسمدا همان دستهای مرموز آنان  
 را در جهام مقام خود محکم نگاهداری و در نتیجه روز بروز رفقاوت  
 آقایان افزوده و اینک بی دردی راجع به خلع صلاح کردستان ارفو  
 کشی به اورامان و غیره بوسیله صدور اعلامیه های بوج وی اساس  
 به ریش همگی میخندند چنانچه خواننده گان عظام عرض حال آقایان  
 عزیز خان زاده رئیس عشایر دژلی سلطان زاده رئیس عشایر اورامان  
 تخت و نواسی - حسن زرابی رئیس عشایر رذاب - برزو زاده رئیس  
 طایفه حسن سلطانی او امی مندرجه شماره ۱۷ نامه کوهستان با اعلامیه های  
 فرمانده لشکر کردستان که در روزنامه های مرکزی درج شده مقابل  
 نمایند جریان امر را بخوبی درمی یابند ایک با بضات شومی که در اطراف  
 و اکناف راجع به ایران در نوازش است بنام حفظ استقلال ایران از  
 دولت تقاضا مینمایم بیش از این بی مبالائی بفرج ندهد و برض حال  
 عهه اکراد رسیدگی بیشتر و عاجلی فرموده و علاج واقعه را قبل از  
 وقوع بنیاید.

مشترکین محترم مهیاد میتوانند وجه اشتراك  
 روزنامه را توسط آقای مدیق حیدری نمایند. رسمی  
 نامه کوهستان ارسال فرمایند

بزم آقای محمد مروخ (آب شاه کردستان)

۲۲۰

# کرد و کردستان

\*\*

## (سنه اردلان)

برای استعمار برادران وهم پیمان  
مختصری از تاریخ عمومی کردستان را در  
۲۱ شماره کوهستان نگاشتیم. چون از هر  
کسی مانده و از تاریخ بسیار باقی است  
ناچار از تاریخ عمومی کرد و کردستان  
مرقظ کرده بتاريخ خصوصی سنه دژ که  
حرب و (سنه) و اروپائیان (سنه اردلان)  
میگویند میرواژیم.

پس از آنکه اگر امداد در نتیجه دعوت  
کوروش باسکبائیان بطوریکه در شماره  
۲۱ کوهستان ذکر شد. قانیه را باخته  
بسی تاروپود تسبیح شرافت و استقلال خود  
را از دست دادند.

دولت ایران بجای دولت ماد تشکیل  
شد. و متدرجا ملت کرد در کله ایران  
مطلوب گشت یعنی تمام اقدامات و عدلیات  
پرومدها اگراد در تحت عنوان ایرانیت  
مکتوم و مستتر مانده قضایای قابل ذکر  
بنام اگراد در تاریخ مشهود نیست. و هر  
کاری که از اگراد سرزده برای ایران و  
بنام ایران بوده است.

تا اینکه در اواسط قرن چهارم هجری  
بنی در سال ۳۵۸ هجری حسویه پسر حسین  
دینوری خواست که حساب کرد و پارس  
را از هم تفریق کند. و این ترکیب را بار  
دیگر بنام ساراوله تجزیه نماید.

بنابراین از رکن الدوله حسن بن یویه  
بنی نوم پادشاه آل یویه باقی شد و بیرق  
استقلال کرد را برافراشت رکن الدوله در  
در سال ۳۵۹ هجری لشکر انبوهی سرداری  
این عهد وزیر خرد مامور سرکوبی او  
شود. و بالاخره قضیه صلح بر کنار شد.  
پس از فوت حسویه پدر تاپیرش در سال  
۳۶۶ هجری بجای پدرش تپه بامر حکومت  
قیام نمود.

در سال ۳۸۸ هجری عظمت پانک از طرف  
دیوار پنداد بلب ناصر الدوله ملقب شد.  
و تمام دیار دینور را تا اهواز و محال  
خوزستان و بروجرد و نهاوند و آمد آباد را  
تحت تصرف و اقتدار خود در آورد و بار  
دیگر قبال استقلال در خیال اگراد نشو  
سایقته از طرف رؤسای اگراد سراز  
بنوله ای شود و خود در آوردند.

پس در اواسط قرن ششم سلاطین  
(آل ایوب) طابع نمودند و بنا نهایت  
رفاهت یرن استقلال برافراشته شرافت  
بنا شده اگراد را با افتخارات بر بهالی  
که اوراق تاریخ گواه آن است برای  
ملت کرد تدارک و زانی نمودند بطوریکه  
دوره سلطنت سلطان صلاح الدین کرد را  
می توان دوره تجدید حیات کرد نامید که  
از جنوب قفقاز تا صناعه بین (از شمال به

## بک فزل از ونای

مه شاهه که شاه لاله ساری ذلانی سندا  
آشونه گویی حالی ونای لسته لم دا  
قوربان ورده سیری که دار عالمی دل که  
هرزونه بدل شه ونه لسه و آهه لده مدا  
آوبه نی دی وا جه لادا مه ته جه لا  
دیوا نئی دیوت کی له هوای شه و کتی جه مدا  
بوخاتری خنده بیکه به رنگی گول و باران  
عاشق امویه هر کولی گریسانی له مدا  
خنده می گولی زارت که بو با ضی منی  
بویی دلی من دستنی ده گول زاری تیر مدا  
آخر مه گئی خاک می ده ری تو بوم به جودای  
مروت له بو تیفت له سه و تصیدی حرم دا  
روح به نساری قدمت بویی ده ونجسی  
روح که به من نالی و کودل بیه مدا  
وا عاشقی زار و که ماری تویه ونای  
له وینه وجودیکه له بینی دو عدم دا

\*\*\*

ابن فزل را آقای اسمیل فرخی از یوکان ارسال داشته اند

اختلاف وحدت شکن روز بروز امتداد داشته اند پیدا کرد که گله و  
تکرارها قابل جبران برادرانه بکنی فراموش شد و اختلاف خانه  
بر انداز مذهب شای نشین آن گشته و بنام شیعه و سنی از هم گسیخته  
و چند میلیون از گروه اگراد بدولت ترکیه ملحق گردید سلطان سلیم  
سلطان ترکیه از این حسن تمادف با سوه صادف اختلاف مذهب استفاده  
نموده بدون مصلحتی از - اردو گاه (آسامیه) حکیم ادریس بدلیسی  
تاجر مدبر که محرم و قدیم او بود و در نزد اگراد هم موقیت ارجمنی  
داشت پیش امراء اگراد فرستاد و با و مدو و حید و تصف و هدایا فرار داد  
زیر اگراد را فریب داد و در جنگ با ایران بنوان خروج ایران از  
اسلامیت با سلطان سلیم موافق نمود که شکست تاریخی چالدران  
وارد شاه اسمیل گردید.

این واقعه را تواریخ ترک کلیه خود دولت شامی در آسپای  
وسطی نامیده اند و لقب خلات اسلامی را هنگام تصرف مصر در  
تنبیه همین فتح نایل شده مواد قرار داد دولت ترکیه با اگراد از  
ایثار است:

اول - اینکه امراء کرد هواره امارت موروثی خود را بر -  
حسب عادات و رسمات قدیمه اداره کنند و حق تشکیل بک حکومت  
مستقل ندانند باشند

دوم اینکه هرگاه دولت ترکیه باینکی از دول مضطه داخل  
چنگ شود امراء اگراد با لوازم و مهمات خود اردوی مستقلی بکنک  
دولت ترکیه بفرستند

سوم اینکه هر ساله امراء کرد میانی بنام هدیه بخزانه دولت  
تقدیم بدارند

در نتیجه این عهدنامه که بنزله عهدنامه استرپاست ترک ر کرد  
رسی شد و از آن تاریخ ابواب خفت و ذلت بر گروه کرد باز گردید  
و حکیم ادریس در نتیجه این خدمت یعنی خیانت یا کرد با عطاقی  
بک قبضه ششیر مرصع و دو اوزده هزار دوقه طلا با مضام فرسان  
سنجری نایل گردید.

جنوب) و از وادی دجه تا طرابلس غرب  
> از شرق تریپه بطور استقلال در قبضه  
انتبار و حیضه اقتدار آن سلطان نامدار  
واقع شد - ح شیخ رضای شاعر کرد در  
مورد او گفته -

فرات انکاری فسل ایوه ما کم افضل اما  
صلاح له دین که دنیای گرت له جمله کردی بابان بو  
صومی شهریاران و سلاطین فرستشان  
له ره و سطوتی او تیره دا کشتی هراسان بو  
سلطنت آل ایوب از سال < ۵۵۵ >  
الی < ۸۶۰ > هجری امتداد داشته هنگام  
تطاول مغول و تاتار که بلاد اسلامی را از  
شرق تا تریپه مغرب و لغارت کردند. و  
ارکان تمدن و ممرات را بیاد دادند اما کن  
کرد نیز دستخوش تطاول ترک و مغول گشته  
بار دیگر استقلال عاجز اگراد از دست  
رفت. فطباطنا توانستند استقلال داخلی  
خود را از دست ندهند.

شاه اسمیل صفوی در سال ۹۱۲  
هجری هنگام مراجعت از فتح دیار بکر  
قسمت کرمانشاه و سنه دژ و نواحی آنرا  
تصاحب نمود و ضمیمه کشور خود ساخت  
اما قسمت بزرگ از خاک کردستان در بین  
خود امراء کرد مسموم بود. بعضی مطابق  
قومیت و ایالت یا زیر دستان معامله  
کردند و در حال مدارا بودند اما قسمت  
دیگر هزاره متوجه حفظ استقلال داخلی  
بوده مسلحانه از دول همجواری دفاع میکردند  
و مجال تغطی با آنها نپاداند.

این وضعیت تا وائل قرن دهم هجری  
بحال خود برقرار بوده تا موقیتیکه سلطان  
سلیم ترک اعلان جنگ بشاه اسمیل صفوی  
داد که در این جنگ امراء و بزرگان کرد  
بجهت کینه تصاحب کرمانشاه و سنه دژ از  
شاه اسمیل ناخشنود بودند.

حکیم ادریس بدلیسی هم از طرف  
سلطان سلیم وعده کمک و استرداد آن ولایات  
را با کرد داد.

این دو فقره سبب شده که اگراد به  
سلیم پیوستند

ولی در این قضیه اگراد فریب نخوردند  
و از آن تاریخ استقلال داخلی اگراد هم  
منزلزل شد.

با اینکه کرد و یازس چنانکه سابق  
ذکر شد. هر دو برادر و دو همترا داشتند  
متاسفانه در سال (۹۰۷) هجری  
بدبختی دامنگیر این دو ملت همترا شد  
در آذربایجان اختلاف داخلی در بین این  
دو عنصر فعال در گیر شد. و زمینه مهی  
برای اغراضات اجانب تهیه گردید که بالاخره  
آنش اختلاف مذهب در بین این دو یازوی  
قوی پنجه مشتمل گردید که ایران مذهب  
تشیع را قبول کرد و قسمت عمده اگراد بر  
مذهب تشن پائی مانده و دامنه این

### جناب آقای مدیر محترم نامه هفتگی کوهستان

بر حسب عادت و ذوق سرشاری که به دریافت و قرائت نامه عزیز کوهستان پیدا کرده‌ام شماره ۲۰ را امروز از موزع پست دریافت نمودم متأسفانه در نخستین ملاحظه جمله نکشیده، نکشید (الخ) را دیدم چقدر متأسف شدم که میبینم بتحریر دستهای پلید مرموزی بار دیگر برادر کشی در کردستان ایران که پاك‌ترین و رشیدترین فرزندان را تحویل جامه ابرائی میدهد شروع شده حال صحت و سقم شرارت و یاغیگری اورامیان تاجه اندازه باشد آن هائیکه پیشتر نزدیکتر بهتر میدانند ولی بر فرض محال تمام اعلامه ستاد لشکر کردستان صحیح باشد جائی که متعین از معامله متفاله خود داری و بمنتظور جلوگیری از اتلاف ناسوس بیگناه طربین تقاضای رسیدگی بوسیله هیئتهای صالحه نموده اند متأسفم که دولت و ستاد ارتش توجیبی بتقاضای آنان نمی‌ناید و از همه بدتر مرط‌نظر از غسران های مادی و معنوی يك جامعه اساساً عکس‌العملیاتی در سایر نقاط ایران تولید میکنند که هر چند ما هالهائی کردستان به برادران خود در ولایات مرکزی و شرقی کشور توجیح داده مراتب مبین پرستی و شاه دوستی اکراد را گوشزد کنیم مهرباناً از چار و سوغتن باطنی ریشه کن نشود و هرگاه اتفاقاً ما مورین غیر بومی بقاط کردستان اعزام بیچاره تا ورود بنمده و آمیزش میدی با اهالی هر آن منتظر حدوث حادثه برای خود بوده واقوام او انتظار و غل غیر ناگوازی را دارند ( بیچاره کرد) این دو بیت هاقط بر اثر سوء اداره امور تولید شده امیدوارم جناب عالی خصوصاً و سایر ارباب فلم و مطلبین باوضاع کردستان عموماً و ساملی فراهم نمایند شاید خونریزی ناشده موقوف شود و اگر هم شروع شده است ضرر از تیه هم بر گردد خوبست با احترامات فائمه از شاهرود اداره راه عهده نوبه

### نگارش آذینی علی اشرف انوراز ستهج فراوش يك قلب حساسی

درد بی‌بابان من بی‌وای کوهستان وای نایبده و یادگار نژاد آریا جاویدان باش ای کوهستان دلکشی که از بوی مطر گلپهای زیبایت که هر هفته بنویسم و رنگی جلوه میکنند مشایك ملتی را معطر و روح يك جمعیتی را مسرور و مفرح ساخته‌ای . آری بحقیقت تو مایل ستایشی چه نعم گل های زیبائی را که باغبانان سالخورده این قوم سالیان دراز بخون حفظ و نگهداری نموده بودند امروز در دامنه های وسیع و زیبای تو جلوه گری و خودنمایی میکنند . نهال های آرزوی جوانان را بنحوا حسن نورد شده داده و شاخه‌های چقا و ستم را بتیزی عظمت و صفای خود از همه چادو ساخته‌ای اگر سابق براین ملت این دیار خنجه حقی آرزو و آمال خود را از هجوم تند باد خزان در نهایت سختی حفظ نموده و از آب دبدگان آبیاریش میگردند امروز در دامنه های تو در انظار جهانیان پرورش یافته و از بهترین آبهای که از قاع مرتفع تو سرچشمه گرفته و سرازیر میشود سیرابشان میسایم . پاینده و جاودان باش ای مظهر سعادت و ای ستان آرزو و آمال تا شاید از پرتو نور سعادت در مانسکه تاریك ساکنین این سامان پرتو افکنده و بیست گرمی و عظمت تو از این گرداب تیره روزی و بلا تکلیلی خلاصی پاینده افسوس هزار افسوس ناملا بیات روزگار تاکنون موفق نگرد آتظوری که وظیفه ما و شایسته مقام توست عمل نایم فقط در مقابل مراحم و الطاف توهده با ناقابل شود و اکه صبارت از يك قلب ملو از احساسات و محبت و علاقه بدان کوهستان عزیز است تقدیم میساید . ای روز تو غوش که روز ما کردی خوش

### آگهی حضور و رات

بتاریخ ۱۳۲۴/۲/۵ آقای سید مهدی رضوی بولالت از طرف شاطر محمود (دل‌گرام نژاد) با ستاد بیکریک گواهی نامه و رونوشت شناسنامه دادخواست شماره ۱۵۳/۱/۲۴ داده باینکه مرحوم شاطر حاجی (فرح بخش نژاد) دارنده شناسنامه ۱۷۰۵ در تاریخ ۱۳۱۳/۲/۳۰ در تهران جایگاه هیشکی خود وفات یافت و بانو زهرا (فرح بخش نژاد) شناسنامه شماره ۲۸۴۵۵ ماد و بیگانه و اوت منحصرش میباشد و بعداً بانو زهرا (فرح بخش نژاد) دارنده شناسنامه شماره ۲۸۴۵۵ در تاریخ ۱۳۲۰/۱۲/۱۰ در تهران جایگاه هیشکی خود وفات یافت و آقایان شاطر محمود و محمد جعفر و لعاف الله و نلام رضا پسران و بانو حلیمه دختر منوئی و وراثت منحصرش میباشد پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی يك بارد در روز نامه رسمی کشور شاهنشاهی و روز نامه کوهستان آگهی میشود با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی و نبودن مترشی بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیت نامه اذمتونی دارد در ظرف مدت مزبور ابراز والا هروصیت نامه غیر از رسمی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود .

رئیس کل دادگاههای تهران امامی اهری

### آگهی حضور و رات

بتاریخ ۱۳۲۴/۳/۱۲ بانو فرنگیس (جبران) شناسنامه شماره ۲۲۴۳۵ با ستاد بیکریک گواهی نامه و رونوشت شناسنامه دادخواست شماره ۲۷۰/۲/۲۴ داده باینکه مرحوم بانو ملوک (جبران) دارنده شناسنامه شماره ۱۹۹۵۵ در تاریخ ۱۳۲۳/۱۱/۸ در تهران جایگاه هیشکی خود وفات یافت و مناقضه و بانو خانم خانبها (جبرانی) شناسنامه شماره ۱۶۰۷ خواهران و آقای میرزا (احمدخان) فرخ شناسنامه شماره ۲۷۵۰۵۰ برادر و آقای محمود (ابلی خان) شناسنامه شماره ۱۹۹۵۳ شوهر متوفان و اوت منحصرش میباشد پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی يك بار در روز نامه رسمی کشور شاهنشاهی و روز نامه کوهستان آگهی میشود با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی و نبودن مترشی بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیتنامه از متوفان دارد در ظرف مدت مزبور ابراز والا هروصیتنامه غیر از رسمی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود .

رئیس دادگاههای بخش تهران امامی اهری

### آگهی حضور و رات

بتاریخ ۱۳۲۴/۲/۲۱ آقای عبدالعزیز اردلان بولالت توکیلی از طرف بانو کبری کیابور با ستاد بیکریک گواهی نامه و رونوشت شناسنامه دادخواست شماره ۱۳۳/۱/۲۴ داده باینکه مرحوم بوری (کیابور) در تاریخ ۲۳/۵/۲۸ در اراک فوت و بانو خانبها (کیابور) هیشکی خود وفات یافت و بانو ان کبری و ربابه و بنول (کیابور) دختران و آقایان محمد رضا و بهاد و جعفر (کیابور) پسران بانو بوری (کیابور) زوجة دائمی متولی و وراثت منحصرش میباشد پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی يك بار در روز نامه رسمی کشور شاهنشاهی و روز نامه کوهستان آگهی میشود با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی و نبودن مترشی بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیت نامه اذمتونی دارد در ظرف مدت مزبور ابراز والا هروصیتنامه غیر از رسمی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود .

رئیس کل دادگاههای بخش تهران امامی اهری

### نامه کوهستان

روزهای دوشنبه منتشر میشود

آبولنان سالانه ۴۰۰ ریال

تک شماره ۴ ریال

محل اداره .

جنابان بهلولی رو بروی کوچه بیارستان وزیری

تلفن شماره ۸۵۳۹

اوقات مراجعه هر روز صبح از ساعت ده تا ظهیر (غیر از ایام تعطیل)

### نامه ها و تلگرافات وارده

#### از سندج

داوطلبان متفرقه امتحانات نهائی متوسطه کردستان شرح نوشته اظهار می دارند باتمصل زحمت زیاد در دبیرستان و خارج دبیرستان بالاخره موفق شده ایم خود را برای گذراندن امتحان آماده کنیم ولی اطلاق شماره ۳۱۱۶۶/۷۶۷ - ۲۳/۱۱/۲۴ از طرف وزارت فرهنگ صادر شده که میگوید:

«بسمه امتحانات نهائی متوسطه - داوطلبان متفرقه حوزه بندی شده و حوزه نزدیک سندج کرمانشاه میباشد موبدین ترتیب داوطلبان برای گذراندن امتحانات باید بکرمانشاه بروند و اغلب فائده استقامت برای مسافرت میباشد.

کوهستان - فعلا وزارت فرهنگ با مطالعه کالی حوزه بندی شده ولی داوطلبان ساکن سندج چه گاهی جز اینکه اهل سندج میباشد دارند که باید برای گذراندن امتحان بشهر دیگر مسافرت کنند اگر داوطلب بجهارامی استقامت مسافرت را نداشته باشد آیا انصاف است از تحصیل محروم باشد انتظار داریم وزارت فرهنگ باین تناسبی داوطلبان رسیدگی نموده تصمیمی اتخاذ نماید که این اشخاص بتوانند در سندج در امتحان شرکت نمایند

#### از باه

آقای سلیم رسولی شرح بسیار مفصالی از سوء منتهای سرافشاری تم تمهیل داردارالی من نوشته اظهار میدارد که این شخص چند روزی است برای تجدید استخدام خود به سندج رفته آقای سلیم رسولی ضمن تشریح سوء استفاده های سه ساله این شخص تناضا

نموده مدعیان مسئول را متوجه سوابق این شخص بنمایم تا اگر میخواهند کسی را استخدام کنند پاک و درست باشد نه اینکه یدی سابقه و اخاذی معروف باشد.

#### از تهران

آقای صدیق انجیری آذر مقاله مفصلی برای ما ارسال داشته بودند چون از روی علاقه مخصوصی تماشای درج آنرا ننوده بودند و از طرفی هم آدوسی مین نگرفته بودند که ما با ایشان مکاتبه کنیم از ایشان تناضا مینسایم یکی از روزهای غیر تعطیل بین ساعت ده و ظهر به فرد روز نامه مراجعه فرمایند.

#### از سقز

آقای باباخانی از طرف عده ای از کارمندان دارالی تلگراف شکایت مینمایند که کارمندان داروالی سقز هر يك مدتی با وجود سرمای سخت زمستان سوچ احکام رسی در دهات سقزی با نه توزیع کالا انجام خدمت نموده اند و مسرور تقاضای پرداخت هزینه سفر و فوق العاده ایام ماموریت کرده اند با وجود اینکه کارمندان مشایخ در سندج ردیون دره تا دیار آذر هزینه سفر و فوق العاده پرداخت شده نسبت به مامورین سقز کوچکترین توجهی مینول نگشته است. در شانته تلگراف از اداره کل بخش تناضا ننوده اند دستور پرداخت هزینه سفر و فوق العاده آنان صادر گردد.

کوهستان - توجه اداره کل بخش وا بشکایت وارده جلب مینمایم.

#### از سقز

آقای هاشم مدینی تلگراف شکایت

#### از کردستان

احمد خان شرور گش مورد سوء قصد واقع شده اکنون در بیارستان لشکر مجروح و بستری است. آیا ستاد ارتش جریبان - چگونگی زخمی شدن او را کاملا اطلاع دارد ؟

مینساید صفحه باوجود بسیاری از طرف دادگاه سقز بازجوئی و بسازداشت شده است

#### از سندج

تلگرافی باعضای عده ای از معترمین سندج رسیده که از آقای ستوان فولادوند اظهار قدر دانی ننوده اند علاوه بر تلگراف فوق دو نامه دیگر هم همین موضوع را تایید ننوده است.

کوهستان - قبل از وصول تلگراف و نامه های فوق در چند شماره قبل ننوختن «خند و انبش» ما نزدیک خود را نسبت به اظهاری که قبلا از طرف عده ای در باه ایشان شده بود اعلام داشتیم امیدواریم حقیقتا ایشان امسرباك و قابل تندی باشند علاوه ای که مادر شناختن و شناساندن ما و برین درست و باوجدان داریم همیشه ما را بتحقیق و تاخیر و امیدوارو از این نظر اگر احیانادر تشخیص اولیه صوری هم روی دهنه در تحذیبات بعد جریان ننوخته شد با این مختصر تذکر تلگراف ننوده و نامه وارده این هفته رد اظهارات شاکیان قبل میباشد تنها حمایت آتیه ایشان و نظریات عمومی است که میتواند ملاک تشخیص و عمل باشد.

#### بیت های کردی

داستان های شیرین بزبان کردی موجود است که بیت معروف است و اغلب آنها را شاهکار های شرکردی میتوان نامید از لحاظ شناساندن قدرت زبان کردی و وسعت مطالبات آن لازم است این بیت هادرمش شناسایی عموم گذارده شود لذا از هلاقدان و آناهیکه از این داستانها بغاظر دارند و با نوشته غلطی یا چاپی آراد در ستیسه در رت تناضا میشود از فرستادن آن برای ما خودداری نکنند زیرا ما در نظر داریم در شماره های مخصوص از نامه کوهستان که فقط بنظور معرفی آثار و شاعر کردی و ادبیات و زبان و قصص و حکایات کردی انتشار خواهد یافت از این بیت ها درج ننوده ترجمه فارسی آنرا بزبان کتیم مدیسی است برای اینکه بیت های چاپ شده کاملا صحیح باشد ارسال کنند کفن باید آنرا با غلطی بسیار خوانا نوشته بفرستند

در این سنگر فقط عده ای بودند که عقب داری اردو را بعهده داشتند نشان کیم که از این زیلان و از طایفه دل خبری و در میان ترکها به التوندیش معروف بود باچول سوار خود از روی بل جوی دیگر گذشته و بطرف تپه های که در پشت مواضع دشمن واقع شده بود حمله ننوده دشمن را از مواضع خود کدمه بود.

جنگجویان پیاده کرد بزودی خود را بتقطعی که بروی حسی مبدأ حمله خود فرار داده بود رسانیدند. میداناران تاب مقاومت نیلوردند زیرا میدیدند که کردها بگاوله هایشان و می نگذارند با سرعت پیش میایند منظره این جنگ عارق العاده دیدنی بود بیش از دو هزار نفر پیاده و سوار تیرین کرده، مسلح با دوتوپ، مسلسلهای سبک و سنگین متحد، در جلو حمله می بالاکانه بیست پیاده و شش سوار کرد مانده اشکه گر کی بگله ایستاده باشد فرار میکنند.

فرمانده لشکر ترک زودتر از همه خود را از مرکز غلام سکرده انومیل فرانسوی را فرستاده بود تا توپها را بآن بست جات دهند. مسلسلهای سنگین بدو ها بتقلید، طیاره و معاشینش بجای مانده اند ای نظامی گرفتار و اسیر گشت

کردها تاده قوطیس که در کمر گوه بازیزه واقع شده بود پیش رفتند. فاصله بین دشمن و حمله کنندگان زیاد شده بود مبدأ کرده آنها را با کلوله پدنه میکنند.

بشتر دهاتی که ابراهیم آزو ام داشت و غلبان هوا بیسای فرود آمده را بشهر بازیزه رسانیده بسود در این موقع بنزد جنگجویان کرد رسید.

بر زمین خوابیده بودند.

تک سواری از حساب آزارات خود را برفناش رسانند و بدون این که بتوسی آن گوش دهنه بطرف بل که همچنان در زیر آتش دشمن بود بفرت روی آنها از آن گذشت و خود را بکالی لورک رسانید.

صدای دوتوپر بلند شد متعاقب آن جنگجویان پیاده نیز از بل گذشته کالی کورک تخلیه شده چند زن عییل و آبتش که در خانه ها پنهان شده بودند بیرون دویدند نش زنی که توانسته بود از دست نظامیان فرار کند در وسط ده مانده بود در حالی که جای هفت هشت تیره در شکم و سینه اش سایبان بود.

این زن، زن پسر صوی حید اسمیل بود.

پس شرفه شده زنه ای نجات یافته باچشمال گریان خود را بسوار رسانیده بیای اسپش قدندند و کاب و سم های اسب او را غرق و سه می کرده و تن لوزین و جوار خود را در ماباش سپر کسوله های دشمن میساختند.

این منظره وقت باز برحسب انعام جنگجویان کرد اردو. دیگر فدای وجود نداشت که بتواند مجاهدین را در جای خود نگهدارد او بتحمه بیروی حسی رسیده باصرار زیاد اسب آن سوار را گرفته بشهالی مواضع دشمن حمله برد. راه دو. زمین صاف ولی سنگلاخی بود مسلسل های دشمن فعالیت خود افزود لیکن گلوله های کرد هانمانند باران مواضع دشمن بازیدند. تگه اشته بروی حسی هدف تیر فرار کرد. بروی حسی خود را بدانه تیر رسانید.

در اینجاست که از طرف دشمن دیده نشد و از آسب تیر آن ها معلوظ بود پیاده شد و بنانی بطرف بالای تیر حرکت کرده نظامیان ترک

